

بررسی ذهن و زبان حسین ثنایی مشهدی

میناسادات ملاشاهی، عبدالعلی اویسی کهخا*، محمدا میر مشهدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

سال هجدهم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۹، صص ۱۷۷-۱۵۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7802>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ذهن و زبان، دو عنصر مهم از جوهره شعر هستند که پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند. نظام فکری شاعر، با استفاه از زبان او در قالب شعر تبیین میشود و شعر او را سازمان میبخشد. ثنایی مشهدی از شاعران قرن دهم هجری، شاعری کمتر شناخته شده است که به دلیل خصوصیات ویژه شعریش و به سبب نوآوریها و شیوه بیان خاص خود، مورد توجه صاحبان نظران و ادیبان بوده است؛ به طوریکه وی را از پایه گذاران سبک هندی برشمرده اند. بررسی محتوا و ساختار دیوان اشعار وی، میتواند کمک مؤثری به شناخت سبک دوره وی و عوامل تأثیرگذار بر آن نماید. وی از شاعرانی شیعی است که مدح و منقبت معصومین (ع) و پیامبر اسلام (ص) در شعرش بسامد بالایی دارد. دیوان وی شامل قصاید، غزلیات، رباعیات و... است. هدف از جستار حاضر معرفی اشعار و تبیین ویژگیهای ذهنی و زبانی ثنایی مشهدی است. **روش پژوهش:** جستار حاضر، مطالعه ای نظری است که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه ای مبتنی بر متون و اشعار ثنایی مشهدی انجام شده و درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که مهمترین ویژگیهای دیوان ثنایی مشهدی از منظر ذهن و زبان چه بوده است؟

یافته ها: بر مبنای یافته های پژوهش، ثنایی مشهدی از شعرای پیشگام در سبک هندی به شمار می آید که در تدوین و تکامل این سبک، نقش پررنگی داشته است. شمار بسیاری از ویژگیهای سبک هندی را میتوان در دیوان وی مشاهده نمود. قالب پرکاربرد در دیوان وی «قصیده» است. او در اشعار خود از توانسته است بخوبی از ظرفیتهای و امکانات زبانی و ادبی شعر استفاده نموده و از آنها جهت تبیین موضوعاتی چون مدح، توصیفات، عاشقانه ها و... بهره ببرد. **نتیجه گیری:** ثنایی مشهدی از عناصر خیال شاعرانه و ظرفیتهای زبان فارسی جهت واژه سازی، ترکیب بندی و خلق تصاویر تازه و بدیع سود جسته است. وی از محور رایج زبان فارسی استفاده کرده و موسیقی کناری، درونی و بیرونی را رعایت نموده است؛ مضامینی همچون: مدح پیامبر و ائمه اطهار (ع)، مدح پادشاهان و امراء، تفاخر، توصیفات، مضامین عاشقانه و عارفانه از مهمترین و پرسامدترین مضامین فکری در شعر او هستند.

تاریخ دریافت: ۱۴ آبان ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۱۵ آذر ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۳۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ بهمن ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

حسین ثنایی مشهدی، ذهن، زبان، سبک شناسی.

* نویسنده مسئول:

oveisi@lihu.usb.ac.ir

۳۱۱۳۲۰۰۰ (+۹۸ ۵۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the Mind and Language of Hossein Sana'i Mashhadi

M. Mollashahi, A. Oveisi Kahkha*, M.A. Mashhadi

Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 04 November 2024
Reviewed: 05 December 2024
Revised: 20 December 2024
Accepted: 02 February 2024

KEYWORDS

Hossein Sanaei Mashhadi, mind, language, stylistics.

*Corresponding Author

✉ oveisi@lihu.usb.ac.ir

☎ (+98 54) 31132000

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mind and language are two important elements of the essence of poetry that are inextricably linked to each other. The poet's intellectual system is explained in the form of poetry using his language and organizes his poetry. Sana'i Mashhadi is a lesser-known poet among the poets of the tenth century AH who has attracted the attention of scholars and writers due to his special poetic characteristics and innovations and his special way of expression; so much so that he has been considered one of the founders of the Indian style.

METHODOLOGY: The present research method is descriptive-analytical, which was carried out using library documents and resources based on the texts and poems of Sana'i Mashhadi and seeks to answer the question: What were the most important features of Sana'i Mashhadi's Divan from the perspective of mind and language?

FINDINGS: Based on the findings of the research, Sanai Mashhadi is considered a pioneer poet in the Indian style who played a prominent role in the development and evolution of this style. Many features of the Indian style can be seen in his divan. The most widely used format in his divan is the "ode". In his poems, he has been able to use the linguistic possibilities of poetry well and use them to explain topics such as praise, descriptions, romance, etc.

CONCLUSION: Sanai Mashhadi has benefited from the capacities of the Persian language for word formation, composition, and creation of new and original images. He has used the common rhythm of the Persian language and has observed the side, internal, and external music; themes such as: praise of the Prophet and the pure Imams (AS), praise of kings and commanders, boasting, descriptions, romantic and mystical themes are among the most important and frequent intellectual themes in his poetry.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7802>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 0	 3

مقدمه

ذهن و زبان، دو عنصر مهم در بررسی احوال یک شاعر به شمار می‌رود. زبان وسیله‌ای است در جهت دستیابی به واقعیت‌های ذهنی شاعر و تجلی اندیشه‌های درونی و نظام فکری او. به همین جهت، تحقیق و پژوهش در خصوص سبک شعری یک شاعر، مستلزم شناخت عناصر ذهنی و ابزار زبانی او در آفرینش است و نظام اندیشگانی وی نیز مورد توجه و بررسی واقع می‌شود؛ چراکه مابین ذهن و زبان، تعاملی دائمی برقرار است. «میتوان انتظار داشت که زبان انسان مشخصات ظرفیتهای هوشی انسان را مستقیماً منعکس سازد و زبان به طریقی آینهٔ مستقیم ذهن باشد؛ چیزی که برای دیگر نظامهای دانش و باور انسان امکانپذیر نیست» (چامسکی، ۱۳۷۸: ۴).

در میان شاعران عهد صفوی، ثنایی از شاعران صاحب ذوقی است که احساس درونی و نکته سنجی و مضمون-پردازیهایی دقیق خویش را در قالب شعر به تصویر کشیده است و سبب شده تا او را از پیشگامان و مدعیان سبک هندی بدانند. ثنایی مشهدی با میراث گذشتگان شعر و ادب فارسی پیوندی ناگسستنی دارد. سروده‌های وی گنجینه‌ای از تصاویر و مضامین نو است. وی از تمامی عناصر زبانی و شعری برای تأثیر بیشتر در کلام خویش و خلق مضامین تازه بهره برده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای مبتنی بر اشعار ثنایی مشهدی انجام شده است. در این پژوهش، با بررسی کلیات اشعار ثنایی مشهدی، به سطوح مختلف زبانی و ذهنی وی پرداخته و مباحث مربوطه با ذکر نمونه تبیین شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهشهایی که دربارهٔ حسین ثنایی مشهدی تاکنون انجام شده‌اند، بسیار اندکند و از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کنند؛ این پژوهشها عبارتند از:

مقاله «بررسی عناصر شاعرانه در شعر ثنایی مشهدی» از مینا و کرمی (۱۳۹۳)؛ این مقاله بعد از بررسی نظرات مختلف در مورد ثنایی و اشعارش، به طور مختصر به واکاوی ویژگیها و خصوصیات شاعرانه در دیوان او پرداخته است. مقاله «شناختنامه و معرفی توصیفی آثار خواجه حسین ثنایی مشهدی» از رادفر و قنبری نیز (۱۳۹۲) نیز ضمن گذری بر زندگی، آثار و ویژگیهای شعر ثنایی، آثار او را در کتابخانه‌های ایران، هند و پاکستان، اعم از دیوانهای موجود و یا اشعار پراکنده در مجموعه‌ها و جنگها، نسخه شناسی کرده است. مقاله «بررسی آثار ثنایی مشهدی با تکیه بر جنبه‌های سبک شناسی» از مدبری و قنبری نیز (۱۳۹۱) نیز به طور خلاصه به بررسی ویژگیهای سبک شناسی شعر وی پرداخته و با توجه به شعر معاصران او، تأثیر ثنایی را در تغییر سبک از عراقی به هندی مورد بررسی قرار داده است. مقاله «لغتنامهٔ دهخدا و دو اشتباه در مورد خواجه حسین ثنایی مشهدی» از کوپا و رضایی (۱۳۹۱)، ضمن بررسی احوال شاعر، به ذکر دو اشتباه در مورد ثنایی در لغت نامه دهخدا پرداخته است: ۱- تاریخ فوت ثنایی مشهدی در لغتنامهٔ دهخدا اشتباه ذکر شده؛ ۲- برخی اشعار او به اشتباه به نام سنایی غزنوی در لغتنامهٔ دهخدا راه یافته و شرح حال او نیز با دیگران خلط شده است.

با توجه به موارد فوق الذکر، مشخص می‌گردد که هر چند پژوهش‌های انجام شده در زمینهٔ خصوصیات شعر ثنایی، مطالب مفید و راهگشایی ارائه داده‌اند، اما در خصوص بررسی ذهن و زبان ثنایی مشهدی، تاکنون تحقیق مستقل

و مفصلی انجام نشده است.

ضرورت پژوهش

با وجود اینکه برخی پژوهشگران ثنایی مشهدی را جزء پیشگامان سبک هندی میدانند، اما اشعار وی برای پژوهش، از نظر محققان نهان مانده است. با توجه به اهمیت سبک هندی و شاعران آن در ادبیات فارسی و لزوم شناساندن هر چه بیشتر شعر و شاعران این دوره مهم شعر فارسی، ضرورت انجام این پژوهش آشکار میشود.

بحث و بررسی

شناخت‌نامه شاعر

خواجه حسین، پسر غیاث الدین محمد مشهدی، از شاعران بنام و معروف قرن دهم هجری است. تاریخ وفات ثنایی را سال ۹۹۶ه.ق ذکر کرده‌اند. تاریخ تولد وی مشخص نیست؛ اما شهرت خواجه حسین همزمان بود با حکومت «سلطان ابراهیم میرزای صفوی»، پسر بهرام میرزا و نوه شاه اسماعیل اول، بر خراسان. ابراهیم میرزا که خود نیز شعر میسرود و تخلص «جاهی» را برای خود برگزیده بود، همواره در پرورش و حمایت علما و شعرا سعی و اهتمام داشت. خواجه حسین خیلی زود در زمره ملازمان ابراهیم میرزا قرار گرفت و تا زمان قتل شاهزاده صفوی پیوسته در سفر و حضر ندیم و همنشین او بود. زادگاه ثنایی، شهر مشهد مقدس است. پدر وی خواجه غیاث الدین یا به روایت عبدالبنی فخرالزمانی در تذکره میخانه «غیاث الدین علی» (فخرالزمانی، ۱۳۶۲: ۱۹۸) شغل بزازی داشته و به همین دلیل در تذکره‌ها به او «غیاث بزاز» گفته‌اند. خواجه حسین در شاعری «ثنایی» تخلص می‌کرد. آوازه و شهرت شاعری او در اندک زمانی عراق و خراسان و هند را فرا گرفت (بداونی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۰۸). ثنایی پس از کشته‌شدن ابراهیم میرزا برای پیوستن به دربار شاه اسماعیل دوم به قزوین رفت و قصیده‌ای را در تهنیت جلوس او سرود. مطلع قصیده:

بر تخت جم سکندر گیتی ستان نشست یوسف ز چه برآمد و بر آسمان نشست
(ثنایی، قصیده ۴۱: ۱۵)

اما به دلیل ذکر نشدن نامش در قصیده، شاه اسماعیل تصور کرد این قصیده در مدح ابراهیم میرزا بوده است. بنابراین از او خشمگین شد و ثنایی نیز از ترس جان خود به ناچار به هندوستان مهاجرت کرد (فخرالزمانی، ۱۳۶۲: ۲۰۴). وی در هندوستان، به دربار جلال الدین اکبر شاه رفت و مدت زیادی در خدمت او به سر برد. در زمانی که ثنایی در دربار اکبرشاه بود، با شاعران مشهور بسیاری چون غزالی مشهدی، عرفی شیرازی و ... بحث و مناظره داشته است (همان).

ثنایی، شاعر عصری است که شعر فارسی در حال عبور از دوره‌ای به دوره دیگر است. در طی مدت زمانی کوتاه پس از روی آوردن به شاعری، آوازه شاعری او سراسر ایران و همسایگان شرقی را درنوردید. «به جرأت میتوان گفت که کمتر جنگ و مجموعه‌ای بعد از قرن دهم سراغ داریم که غزلی یا قصیده‌ای و یا حتی بیتی از ثنایی را در خود جای نداده باشد» (رادفر و قنبری، ۱۳۹۲: ۸۵). او با شاعران مشهور زیادی مانند: میلی هروی، نظیری نیشابوری، غزالی مشهدی، عرفی شیرازی و ... مناظره و مباحثه داشته‌است. در اشعار ثنایی مشهدی، ویژگیها و خصوصیات سبک هندی از جمله: مضمون آفرینی، نازک خیالی، استقلال معنایی بیت، نکته‌های دیرپاب، واژگان و اصطلاحات غریب و جدید، تمثیل و دقت معانی به نسبت سایر همعصرانش بسامد بیشتری دارد؛ به همین دلیل و همچنین به دلیل نقش ویژه‌ای که وی در تغییر سبک زمان خود داشته «میتوان ثنایی را با توجه به تاریخ حیات

و درگذشت او که قدیمی‌تر از شعرای دیگر سبک هندی است، یکی از بنیانگذاران سبک هندی دانست؛ اگرچه برخی این امتیاز را برای طالب آملی (متوفی ۱۰۳۲ ه.ش) قائل شده‌اند» (مدبری و قنبری، ۱۳۹۱: ۳۲۶). امین احمد رازی در مورد شهرت اشعار ثنایی می‌نویسد: «و دیوان وی که شارح فرات و شارع آب حیات است امروز متداول است و به قصیده که شگرف‌ترین انواع سخن اوست زیاده رغبت فرموده و بنای آن را نوعی نهاده که از رگ اندیشه خون چکاینده» (رازی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷۹۴). آثار ثنایی مشهدی عبارتند از: دیوان اشعار، حدود ۳۴۰۰ بیت و مشتمل بر: قصاید، غزلیات، مقطعات و رباعیات. (اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۸۸۹)؛ ساقی نامه؛ اسکندرنامه یا سد سکندر یا باغ ارم. قالب شعری عمده اشعار ثنایی «قصیده» است.

معرفی نسخ خطی

نسخه‌های خطی دیوان خواجه حسین ثنایی مشهدی عبارتند از:

- ۱- نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۲۳۹۰؛ این نسخه ۳۰۱ صفحه و حاوی: قصاید به ترتیب حروف الفبا، غزلیات، مقطعات، رباعیات، ساقی نامه و اسکندرنامه و حدود ۳۳۰۰ بیت است.
- ۲- نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی اسناد دانشگاه تهران به شماره ۷۹۲۷؛ این نسخه دارای ۱۰۹ برگ، شامل قصاید، غزلیات و رباعیات است.
- ۳- نسخه خطی موجود در مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۵۱۰؛ در این نسخه فقط قصاید خاقانی از صفحه ۱ پ تا صفحه ۵۳ آمده است.
- ۴- نسخه خطی موجود در مدرسه عالی مطهری (سپهسالار) به شماره ۲۸۴؛ این نسخه ۱۱۰ صفحه و شامل: قصاید، غزلیات، مقطعات، ساقی نامه و رباعیات است.
- ۵- نسخه خطی دیگری در مدرسه عالی مطهری (سپهسالار) به شماره ۳۷۵؛ این نسخه ۱۰۵ صفحه و دارای: دیباچه منثور، قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات و ساقی نامه به صورت ناقص است.

سبک‌شناسی دیوان

سبک‌شناسی یعنی «بررسی گزینشها و روشهای استفاده زبانشناسان، فرازبان و شگردهای شناخت زیباییها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۴۸) اهمیت و اعتبار سبک‌شناسی بدان جهت است که با شناخت سبک یک شاعر یا نویسنده، اطلاعات بسیاری در خصوص شخصیت، نظام فکری، اعتقادات، علوم، دانش و رفتارهای کلامی و زبانی آن فرد به دست می‌آوریم (همان: ص ۹۳). با شناخت سبک شعری ثنایی، آگاهی بیشتری نسبت به سبک هندی حاصل می‌گردد.

سطح زبانی

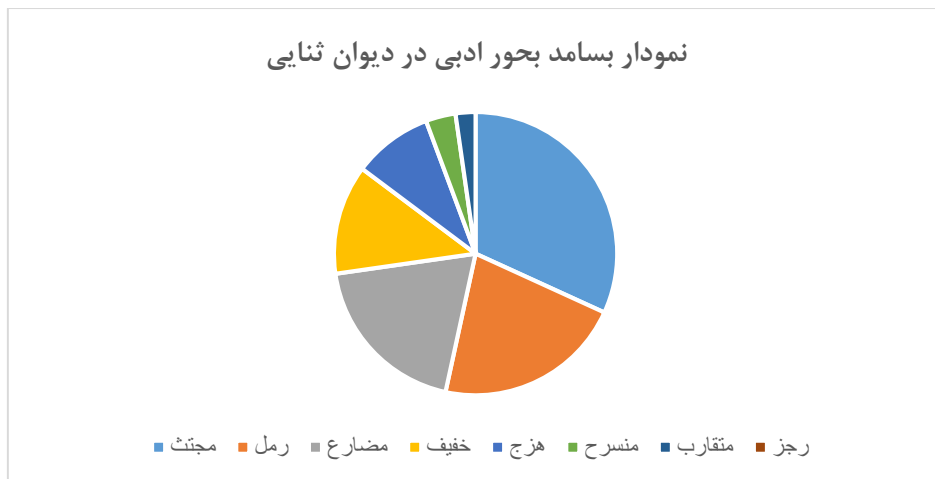
الف: آوایی

سبک‌شناسی آوایی در سطح زبانی، به بررسی واحدهای آوایی (صدا، آهنگ) در یک ساختار زبانی و نقش و کارکرد بیانی اصوات و آواها می‌پردازد و این موارد را دربرمیگیرد:

موسیقی بیرونی (وزن و بحر)

دیوان ثنایی شامل ۸۶ قصیده، ۹۵ غزل و غزلواره، ۲۴ قطعه و ۱۵۱ رباعی است که از مجموع اشعارش، بسآمد

بالای اوزان متعلق به بحرهای مجتث و رمل و کمترین بسامد اوزان متعلق به بحرهای متقارب و رجز است. بخش اعظم قصاید ثنایی را اوزان جویباری تشکیل می‌دهد. همچنین ثنایی مشهدهی در دیوان خود از اوزان دوری نیز استفاده کرده است.



استفاده از اختیارات شاعری

۱- آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه:

قدر تو گر کند صدف گوهر آفتاب
(قصیده، ۲: بیت ۱۲)

ماند حباب وار خیالش به روی آب

۲- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن:

که سخن باز بر زبان حشر است
(قصیده: ۱۱)

گوش جان را فراخ حوصله کن

۳- بلند بودن هجای پایان مصراع:

او خود هنوز طالب صد نیش دیگرست
(غزل، ۹: ۲)

گفتم که مرهمم بنهم ریش عشق را

۴- امکان حذف همزه:

اگر همزه آغاز هجا بعد از یک صامت بیاید، میتواند در تلفظ حذف شود؛ به عبارت دیگر، اگر همزه بین یک صامت و یک مصوت قرار بگیرد، ممکن است همزه تلفظ نشود:

موج سلاسل شود از پی فید صبا
(ثنایی، قصیده، ۱: ۲۱)

امر تو در گیرودار حکم کند گر به آب

۵- تغییر کمیّت مصوتها:

این مورد از اختیار زبانی شاعر خود به دو صورت زیر است:

الف) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه:

از ننگ و خجالت طبیعی برهم گر یاد کند ماه من از روزه ما
(ثنایی، رباعی، ۸: ۲)

(ب) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند:

در کلماتی که به مصوت بلند (و،ی) ختم میشوند، اگر بعد از آن مصوتها، مصوتی بیاید، شاعر اختیار دارد که مصوتهای بلند را کوتاه تلفظ کند.

در کوی تو زآن خانه گرفتم که مباد آزرده شود خیالت از دوری راه
(ثنایی، رباعی، ۱۳۰: ۲)

موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

تکرار قافیه

نکته قابل توجه در شعر ثنایی تکرار زیاد قافیه است که یکی از دلایل آن، استفاده از معانی مختلف یک واژه برای قافیه است؛ مثل:

عشق هر جا سخن در اندازد زهره شیر ژیان بر اندازد
(قصیده ۲۹: ۱)

لازم به ذکر است که شاعران سبک هندی، نه تنها تکرار قافیه را عیب نمیدانسته‌اند، بلکه آن را نوعی هنرنمایی نیز محسوب میکرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ص ۷۱).

انواع ردیف

اکثر اشعار ثنایی مردف است؛ در واقع از ویژگیهای خاص شعر سبک هندی، آوردن ردیفهای طولانی در شعر است که در دیوان ثنایی نیز این مورد به چشم میخورد. از مجموع ۳۵۹ شعر در دیوان ثنایی، ۲۸۸ شعر، به صورت مردف سروده شده است؛ یعنی تقریباً ۸۰٪ سروده‌های وی دارای ردیف است. در دیوان ثنایی ردیفهای فعلی نسبت به ردیفهای اسمی بسآمد بالاتری دارند. بیان ردیف فعلی باعث پویایی بیشتر شعر و در نتیجه تأثیرگذاری افزونتر آن میگردد. این مطلب بیانگر اهمیت ردیف در اندیشه و زبان ثنایی است. از میان ۸۶ قصاید ثنایی، ۶۵ قصیده مردف است که ۵۲ قصیده دارای ردیف فعلی و ۱۳ قصیده، دارای ردیف اسمی هستند.

-ردیف فعلی:

در قصاید ثنایی مشهدی، فعل بیشتر از دیگر کلمات به چشم میخورد و انواع فعل ماضی و مضارع کاربرد دارد. دور از رخ تو دیده چو صبحم سفید باد گر از هجوم اشک مرا دیده روشن است
(قصیده ۶: ۵)

-ردیف اسمی:

چون زلف تو به هر چه نهم دست بشکند تا شد به عهد بستنت امیدوار دست
(قصیده ۱۰: ۷)

موسیقی درونی

سجع

سجع و انواع آن، بسیار مورد توجه ثنایی بوده است و از بین سه نوع سجع، سجع متوازی از بسآمد بالاتری برخوردار

است:

هست این زمان از آن حرکت در فغان بلی هنگام توبه ز اهل ندامت فغان خوشست
(قصیده ۵: ۶)

جناس

جناس، یکی از مواردی است که ثنایی مشهدهی برای بیان مضامین خود بخوبی از آن بهره برده است:
علی عالی اعلی که بحر با همه فیض نمود کسب کرم از سحاب احسانش
(قصیده ۵۶: ۲)

تکرار

از مهمترین شگردهای ثنایی در مبحث موسیقی درونی، بهره بردن از «تکرار» در شعر است:
کمند زلف تو کان را بود هزار شکست به هر شکست دلم را هزار بار شکست
(قصیده ۴۸: ۱۰)

ب: واژگانی

سطح واژگانی یک شاعر میتواند از مهمترین بخشهای سبک‌شناسی دیوان وی باشد؛ زیرا نوع به‌کارگیری لغات و اسامی از طرف یک شاعر میتواند اختلاف و تمایز خاصی را شاعران دیگر به وجود آورد.

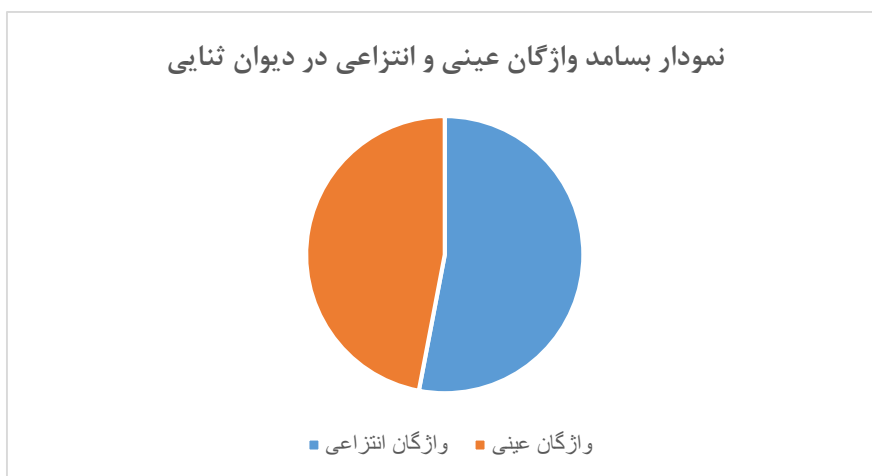
واژه عینی یا انتزاعی

اگر در دیوان شاعری، واژه‌های عینی (واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت میکنند)، غالب باشند، سبک متن حسی است و اگر واژه‌های ذهنی (واژه‌هایی که بر کیفیت، عقیده، معنی و مفهوم ذهنی دلالت میکنند) بیشتر باشند، سبک متن انتزاعی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۵۱). در دیوان ثنایی مشهدهی، اسامی عینی و انتزاعی از بسامد یکسانی برخوردارند، اما اسامی انتزاعی اندکی بیشترند.
واژه‌های عینی:

نخل سپهر گردد و بار آورد نجوم از جویبار رایت اگر نم کشد چنار
(ثنایی، قصیده ۲۷: ۱۳)

واژه‌های انتزاعی:

جود تو بُختیان طمع را پی کشش از آرزو فسار و ز احسان مهار کرد
(ثنایی، قصیده ۷۶: ۷)



کلمات پرتکرار

در دیوان ثنایی مشهدی، شاهد تکرار کلماتی همچون: گل، خار، گوهر، اشک، جهان، آینه، خشم، صبح، عدل‌همت، صبا، خورشید، سخن، آفتاب، آسمان، زمین و... هستیم. بسامد این کلمات تابدانجاست که میتوان آن را از موتیفهای واژگانی اشعار وی محسوب کرد. نکته دیگری که در این باب باید بدان اشاره نمود، بسامد بالای نام برخی از پیامبران و ممدوحان ثنایی است؛ مانند: موسی، عیسی، نوح، خضر، امام رضا(ع)، ابراهیم میرزا، عبدالرحیم خان و ... همچنین واژه «ثنایی» (تخلص شاعر)، در بسیاری از اشعار وی تکرار شده است.

کلمات ترکی

در دیوان ثنایی مشهدی واژگان ترکی دیده میشود:

علی عالی اعلی که چوب حاجب او سر ینال و تگین را به روز بار شکست
(ثنایی، قصیده ۱۳: ۱۳)

کلمات عربی

در شعر ثنایی واژه‌های عربی بسیارند اما واژه‌های کم بسامد عربی به ندرت دیده میشود؛ مانند واژه مطوق (ق ۵۶، ۱۷) و فقط به دلیل ضرورت قافیه بعضی از واژگان عربی کم بسامد در اشعار او مشاهده میشود؛ مانند: سقیم، رمیم، نعیم و عدیم (قنبری، ۱۳۹۲: ۹۴)

قاسم نار و جنان سرور مردان حیدر شیر حق نفس نبی ناصر و مولای امم
(ثنایی، قصیده ۴۵: ۱۲)

کلمات یونانی

شد قوی اسلام در عهدت چنان کآورده است تیغ‌ها بر کف به قطع رشتۀ زَنار گل
(ثنایی، قصیده ۵۳: ۱۳)

کلمات و اصطلاحات صوفیانه

کاربرد کلمات و اصطلاحات صوفیانه همانند: شوق، توحید، خرقه، وصال، اقبال، سخا، لطف، کبریا، شکوه، اجابت، تسلسل، جاه، وجد، نفس، مراقبه، لمعه، می، طلب، فقر و فنا، استغنا، عشق، حیران و... در دیوان ثنایی مشهدی،

نشان از تأثیر باورها و اندیشه‌های عارفانه در نظام فکری اوست.

کاربرد زبان عامیانه

در شعر ثنائی مشهدی شاهد بروز کلمات، عبارات و اصلاحات عامیانه و ادبیات مردم کوچه و بازار هستیم. اصولاً یکی از ویژگی‌های سبک هندی، استفاده شعرا از زبان عامه مردم در شعر است. در این سبک، شعر از واژگان ادبی قدیم فاصله گرفت و به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک شد و بدین شکل باعث پیدایش زبانی نوظهور در شعر شد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۸۷). نمونه‌ای از این عبارات:

امر تو کز گیر و دار حکم کند گر به آب موج سلاسل شود ازین قید هوا

(ثنایی، قصیده ۱: ۲۱)

(گیر و دار: جدال)

کلمات کهن

ثنایی در کلام خود عبارات و لغاتی را بکار برده که نسبت به زبان معیار در قرن دهم و یازدهم، قدیمی و متروک هستند؛ به عنوان مثال واژه‌های: بدسگال، باژگون و... .

زین پیش اگر چه از ستم چرخ باژگون خاری ترا به پای دل از دشمنان نشست

(ثنایی، قصیده ۱۲: ۷)

کاربرد افعال به شیوه کهن

ثنایی مشهدی علاوه بر استفاده از واژگان باستانی، از کهن‌گرایی دستوری و نحوی نیز استفاده کرده و این امر باعث تشخیص شعر او شده است؛ مانند: آوردن پیشوند «می» در اول فعل پیشوندی و فعل منفی. «ادامه حیات زبان گذشته در خلال زبان اکنون، استعمال الفاظی که در زبان روزمره و عادی به کار نمی‌رود، احیای واژه‌هایی که در دسترس عامه نیست، خود سبب تشخیص زبان است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۴). از نمونه‌های کهن‌گرایی دستوری شعر ثنائی:

بست چنان عدل تو دست تطاول که باد می نتواند ز بیم زلف پریشان شکست

(ثنایی، قصیده ۱۴: ۲۲)

اسامی حرفه‌ها و مشاغل

از خصوصیات بارز زبان در شیوه و سبک هندی، کاربرد اصطلاحات و اسامی مربوط به حرفه‌ها و شغل‌های گوناگون است؛ مشاغلی مثل: بوریابافی، آوازخوانی، قصابی، آهنگری، دلالی، زربافی، فسادی، رگ زنی و... در شعر و سخن ثنائی مشهدی نیز از این گونه واژه‌های شغلی به وفور یافت می‌شود:

میمنت بین که ز اقلیم شه آبادتر است عشق را خانه به دلای کالای دلم

(ثنایی، قصیده ۶۵: ۱۱)

ج: نحوی

واژه سازی

یکی دیگر از خصوصیات سبکی برجسته شعر و کلام ثنائی مشهدی، واژه سازی است که به دو شکل: اشتقاق و ترکیب، در شعر وی مشاهده می‌شود.

اشتقاق:

واژه اشتاق در ساختمان خود متشکل است از یک جزء معنی دار و یک جزء بی معنی:
شوره خاکی که بر آن قطره احسان تو ریخت آبرو دارتر از چشمه حیوان گردد
(ثنایی، قصیده ۲۲: ۱۰)

ترکیب:

ترکیبات خاص بکار رفته در دیوان ثنایی را از نظر ساخت واژه به چند دسته میتوان تقسیم کرد:
اسم+بن مضارع (صفت فاعلی):
هنوزت گرمی بازار خوبی آتش انگیز است هنوزت از کرشمه پای تا سر آرزو خیز است
(ثنایی، غزل ۱۲: ۴)

اسم+بن مضارع (صفت مفعولی):
هنوز از گفت تلخت کام جانها شکر آلودست هنوز از زهر چشمت نیش مژگان لذت آمیزست
(ثنایی، غزل ۱۲: ۴)

اسم + اسم (ترکیب دارندگی):
ای ز ابر دست دریا بخششت روز سخا آسمان از پنجه خود خرقة تر تافته
(ثنایی، قصیده ۶۸: ۱۶)

اسم+صفت فاعلی (صفت فاعلی):
آن سفر آبنده را قربان شوم کز راه قدر پشت پایی هر قدم بر آفتابی میزند
(ثنایی، قصیده ۲۷: ۲۴)

صفت فاعلی مرکب مرخم:
صبحدم طوفان کند چون چشم طوفان زای من ساغر خورشید گردد جام خون پیمای من
(ثنایی، قصیده ۷۸: ۲)

واژه مشتق مرکب:
واژه مشتق مرکب در شعر ثنایی به صورت دو جزء معنی دار و یک جزء بی معنی مشاهده میشود:
گیرد به پنبه صبح سراپای مهر را از بس که تیغ رای تواش تن فگار کرد
(ثنایی، قصیده ۲۷: ۱۷)

گروههای اسمی اضافی

گروههای اسمی اضافی در دیوان ثنایی مشهدی بیشتر به صورت اضافات: اقترانی، استعاری و تشبیهی هستند.

الف) اضافی اقترانی

عجب اگر نشود همچو سرو پا برجای ز بس که دست تظلم گرفته دامانش
(ثنایی، قصیده ۴۹: ۶)

ب) اضافی استعاری

بر کف دست حوادث به مثل گر نقاش نقش زر را بکشد جمع پریشان گردد
(ثنایی، قصیده ۲۴: ۱۰)

ج) اضافی تشبیهی

در این نوع گروه‌ها، رابطه شباهت بین دو اسم وجود دارد و از ترکیب «اسم» و «اسم» به وجود می‌آیند که جزء اول در نقش مسند و جزء دوم مسندالیه است:

گر نهنگ غضبت در دل دریا گذرد / ابر را هر مطر آبستن طوفان گردد
(ثنایی، قصیده ۲۵: ۸)

وابسته‌های خاص عددی

یکی دیگر از خصوصیات کلام ثنائی مشهدی، وجود وابسته‌های خاص عددی است:

الف: عدد + معدود مادی

ترکیب بند نطفه اگر بخشش شود / طفل از رحم سزد که بباید هزار دست
(ثنایی، قصیده ۱۰: ۲۳)

ب: عدد + معدود انتزاعی

چشم به هر نگاه برای خرابیم / صد فتنه را ز هر مژه دستور کار داد
(ثنایی، قصیده ۱۸: ۱۱)

ج: عدد + مادی + مادی:

عشرت صد هزار رود و سرود / در عزا خانه فغان من است
(ثنایی، قصیده ۸: ۲۶)

د: عدد + مادی + انتزاعی:

سایل اگر ز دستش یک ره کند سوالی / صد ره ندای احسان آید به گوش سایل
(ثنایی، قصیده ۵۲: ۳۵)

در دیوان ثنائی مشهدی، معدود وابسته‌های عددی بیشتر به صورت مادی است و نوع انتزاعی آن، کمتر یافت می‌شود.

اشتباهات دستوری

یکی از دلایل مهم وجود اشتباهات دستوری در میان شاعران قرن دهم به بعد، رواج شعر و شاعری در میان مردم عامه و پیشه‌وران مختلف و عدم ارتباط با شعر شاعران بزرگ گذشته است (ناتل خانلری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۴۰). در شعر ثنائی هم این مورد مشاهده می‌گردد. البته بسامد آن اندک است؛ مثلاً در بیت زیر میان دو قسمت فعل «تواند داد» بیش از اندازه فاصله افتاده است:

گردون‌حمایتی که تواند حمایتش / رویین تنی به قالب سست غبار داد
(ثنایی، قصیده ۱۸: ۱۶)

سطح ادبی

در بررسی سبک‌شناسانه سطح ادبی اشعار ثنائی مشهدی، به تبیین صورخیالی که جوهره شعری ثنائی را تشکیل می‌دهند، پرداخته خواهد شد:

استعاره

استعاره مصرحه:

تو خنده میزنی و خون ز دیده میریزد نمک چگونه تواند که در شکر گنجد
(ثنایی، قصیده ۲۲: ۲)
استعاره مرشحه:

صبح اگر نو عروس گردون را از رخ آویزه خوشاب گرفت
(ثنایی، قصیده ۱۶: ۱۷)
استعاره مکنیه:

ابر اگر از بیم قهرت گرید اندر گلستان همچو داغ تازه گردد سرسبز آزار گل
(ثنایی، قصیده ۵۳: ۲۴)
استعاره کنایی:

ز بیم تیغش گردون دوال ظلم برید به روز عدلش بازوی روزگار شکست
(ثنایی، قصیده ۱۳: ۱۴)
استعاره تبعیه:

قضا لباس حیا در زمان عدل تو دوخت که کرده ابره اش از آب و آستر آتش
(ثنایی، قطعه ۱۸: ۱۴)

تشبیه

تشبیه از اصلیتین صنایع ادبی ثنایی مشهدی به شمار می‌رود. وی با استفاده از صنعت تشبیه در اشعارش توانسته به نازک خیالیه‌ها و تصویر آفرینی جدید و نوینی دست یابد. او در اشعارش از انواع تشبیه استفاده کرده است؛ اما تشبیه فشرده به صورت اضافه تشبیهی، در اشعارش بسامد بیشتری دارد. در اشعار وی، گاه جهت حصول معانی غریب، اضافات تشبیهی در مجموعه‌ای پیاپی و مرتبط با یکدیگر در شعر تکرار میشوند:

در نوبهار حسنش از ابر دیده ما صحرای درد خرم پای نشاط در گل
(ثنایی، قصیده ۵۵، بیت ۵)

تشبیه تمثیلی

بکارگیری تشبیه تمثیلی نیز یکی دیگر از مختصات سبکی شعر ثنایی به شمار می‌آید:
همچو ماری که خیزد از سر گنج سخنم از سر زبان برخاست
(ثنایی، قصیده ۴، بیت ۳)

کنایه

از آنجایی که اشعار ثنایی مضامین جدید دارد، وی با استفاده از کنایه خصوصاً کنایه‌هایی که در گذشته کاربرد داشته‌اند، خواسته است مضامین و نکات جدیدی را وارد شعر کند؛ مانند: اصطلاح «کمر بر میان بستن» که به معنی آماده‌کاری شدن است و معمولاً برای انسان به کار برده می‌شود، اما در بیت زیر، ثنایی آن را برای «مو» به کار برده است؛ یعنی تمام وجود ثنایی حتی موهای او آماده‌حمد و ستایش ممدوح هستند:

در ثنای کف تو هر مو را کمر مدح بر میان بستم
(ثنایی، قصیده ۵۶: ۲۵)

کنایات به کار رفته شده در دیوان وی، ۱۶۰ مورد است که بیشترین آنها مربوط به بخش قصاید است.

انواع کنایه به اعتبار مکتبی عنه

کنایه از حیث دلالت مکتبی به، به مکتبی عنه بر سه قسم است: مکتبی عنه یا اسم (موصوف) یا صفت و یا فعل (مصدر).
الف: کنایه از اسم (موصوف):

یکدم ز روی لطف بگردان پیاله را با ساده روی صبح چو دستم به گردن است
(ثنایی، قصیده: ۶: ۸)

ب: کنایه از فعل (مصدر):

ثنایی در اشعار خود این نوع کنایه را به وفور به کار برده است:

ای برده در طراوت حسن از بهار دست از خون کیست باز ترا در نگار دست
(ثنایی، قصیده: ۱۰: ۱)

انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا

الف: تلویح:

تا که خورشید صبحدم گوید در تنور فسرده نان بستم
(ثنایی، قصیده: ۵۶: ۳۴)

ج: رمز:

نگشت صاعقه ظاهر ز ابر تر دامن که شحنة کرمت چاک زد گریانش
(ثنایی، قصیده: ۴۹: ۱۳)

د: ایما:

رخت بر بند ای شب هجران که از اقبال بخت همچو صبحم حلقه بر در آفتابی میزند
(ثنایی، قصیده: ۳۷: ۸)

ه: یکسانی کاربرد برخی از کنایات: بعضی از ترکیبات کنایی وجود دارد که به لحاظ کاربرد، در همه دوره‌های سبکی یکسان به کار میروند و در اشعار ثنایی نیز این ترکیبات وجود دارد؛ مانند ترکیبات: «انگشت گزیدن، گریبان دریدن، رخت بر بستن، تر دامنی و...» که در شعر صائب، بیدل، سعدی، حافظ، خاقانی و... نیز دیده می‌شود.

ایهام

استفاده از آرایه ایهام، یکی دیگر از ویژگیهای زبانی شعر ثنایی در آفرینش مضامین نو به شمار می‌رود. اصولاً در دوره شعری ثنایی، شعر، بر دو پهلویی کلمات استوار بود که نوعی بازی با ابعاد گوناگون کلمات به شمار می‌آمد. خورشید غزاله‌ای چو نظم در آخور جهان ندیدست
(ثنایی، قصیده: ۹: ۵)

غزاله: آهو بره ماده / غزاله فلک (خورشید).

مراعات النظیر

ثنایی با کاربرد این شبکه‌های بهم پیوسته مراعات النظیر، به دنبال ساخت مضامین جدید و شاعرانه است.

من و آن ساقی که وقت صبح باده را چون به ساغر اندازد
(ثنایی، قصیده: ۲۹: ۱۴)

تلمیح

ثنایی توانسته است با استفاده از تلمیح و اشاره به داستان گذشتگان، بخصوص داستان پیامبران جهت خلق مضامین بهره برد:

گر در دلش بزرگی تو بگذرد کند در جرم مه شکاف چو پیغمبر آفتاب
(قصیده ۵۰: ۳)

مجاز

انواع علاقه‌های مجاز در دیوان ثنایی مشهدی به شرح ذیل هستند:
علاقه ظرف و مظلوف:

در بزم عیش جام طرب نوش کآب خوش در حلق بدسگال تو چون استخوان نشست
(ثنایی، قصیده ۱۲: ۷)

علاقه حال و محل:

پاسش آن حافظ ملکست که گوید به جهان هست آرامش ایام تو از رای دلم
(ثنایی، قصیده ۶۵: ۱۳)

علاقه کلیت و جزئیت:

الف: کلیت=ذکر کل و اراده جزء:

باعث حیرانی دیده شود آفتاب شاهد حسنت در و گر بنماید لقا
(ثنایی، قصیده ۱: ۱۵)

ب: جزئیت= ذکر جزء و اراده کل:

مگر به صبح هدایت همین بشارت رفت ز آفتاب که پا تا سرش زبان برخاست
(ثنایی، قصیده ۴: ۹)

علاقه آلیت:

باد تیغت روان که هر گامش زیر پا کرده هزار سر است
(ثنایی، قصیده ۱۱: ۵۸)

علاقه مشابَهت:

ز نرگس تو به خونریز خلق فهمیدم تأملی که در او بود صد شتاب نهران
(ثنایی، قصیده ۷۵: ۴)

علاقه ماکان:

برای پرورش نورسان باغ امروز رسیده تربیت خاک را بدانجا کار
(ثنایی، قصیده ۴۵: ۱۲)

مجاز به علاقه قوم و خویشی:

منصور زمانه شاه منصور کش کلک قضا همین نویسد
(ثنایی، قصیده ۳۲: ۱۳)

حس آمیزی

حس آمیزی در اشعار ثنائی، بیشتر در قالب کنایه آمده است:

چه گرمی خبرست اینکه شد زبان در کام چو شعله سخنش عنبرین دخان برخاست
(ثنائیی، قصیده ۴: ۷)

ارسال‌المثل

در شعر سبک هندی تک‌بیتها جنبهٔ ارسال‌المثل دارند و تمثیل مهمترین عنصر ادبی این دوره است. «به سبب جنبهٔ ارسال‌المثلی، بیت دهان به دهان میگردد و اسم شاعر فراموش میشود؛ به طوری که میتوان گفت معروف بودن بیت و مجهول بودن اسم شاعر یکی از مختصات شعری سبک هندی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۲۱) چون شیشهٔ می لبالب از نوش مباح از نالهٔ خلق پنبه در گوش مباح
(ثنائیی، رباعی ۹۰: ۱)

اسلوب معادله

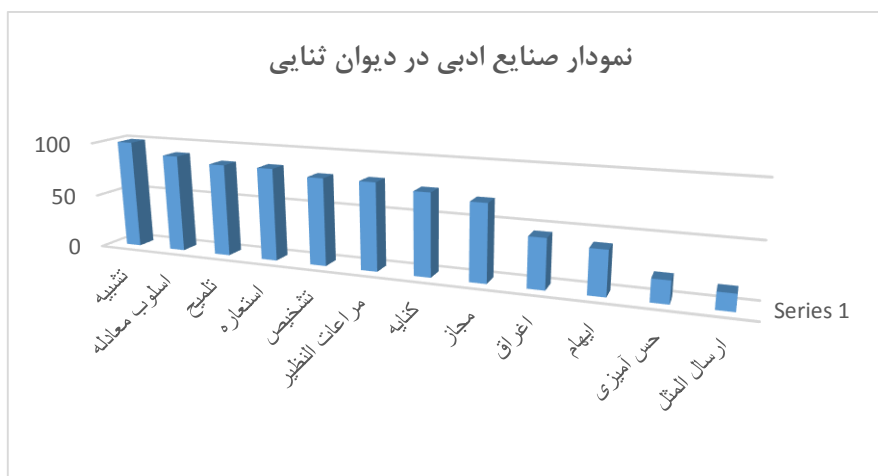
یکی از مهمترین صنایع در سبک هندی و شعر ثنائی، اسلوب معادله است. ثنائی در به کار بردن اسلوب معادله، از هر دو نوع تشبیه و تمثیل استفاده میکند. نکتهٔ حائز اهمیت که اشعار ثنائی را به لحاظ آوردن اسلوب معادله، متمایز و برجسته میسازد، تنوع موضوعی (عرفانی، عاشقانه و...) آن است. همت تو برفکند رسم گرفتن چنانک دست نگرده دگر رنگ ستان از حنا
(ثنائیی، قصیده ۱: ۲۴)

تشخیص

تشخیص صنعتی است که در شعر همهٔ شعرا مشاهده میشود، اما در سبک هندی هم بسآمد بیشتری دارد و هم پیچیدگی بیشتری. تشخیص در شعر ثنائی مشهودی که حد وسط سبک عراقی و هندی است، بیشتر به مانند سبک عراقی است و آن پیچیدگی سبک هندی را ندارد. فتنه بنازد به تو همچو ستم با سپهر مزد نخواهد ز تو همچو زمان از بلا
(ثنائیی، قصیده ۱: ۱۲)

اغراق

اغراق در شعر ثنائی، بیشتر از راه تشبیه وهمی، استعارهٔ مکنیه و... در توصیف صفات و ویژگیهای ممدوح آمده است. خنجر مزگان تو حوصله بخش ستیز غمزهٔ فتان تو معرکه ساز بلا
(ثنائیی، قصیده ۱: ۱۰)



سطح فکری

مضامین عرفانی و صوفیانه

در شعر شاعران دوره صفوی گرایش به اندیشه‌ها و نازک‌خیالیهای عرفانی و صوفیانه مشاهده می‌شود. ثنایی مشهدی نیز از این گونه است. در کلام و نظم، بخصوص در قصاید او اصطلاحات عرفانی و اندیشه‌های صوفیانه به وفور دیده می‌شود.

در بیابان طلب لب تشنگان شوق را
بر جگر آب از سراب آن بیابان دیده‌اند
(ثنایی، قصیده ۳۵: ۹)

مضامین عاشقانه

معشوق ثنایی، معشوق زمینی است. او با زبانی روان و ساده، به دور از صنعت، به ذکر وقایع بین خود و معشوق می‌پردازد و خصوصیات این رابطه را بیان می‌کند. از آنجاکه مکتب وقوع در عصر وی، مکتب عمده شاعران بوده است، ثنایی نیز از این مکتب و اصول آن پیروی می‌کند. در مکتب وقوع، شاعر به «بیان حالات و عواطف واقعی عاشقانه می‌پردازد، اطوار حقیقی معشوق از قبیل ناز و قهر و خشم و دشنام و احوال عاشق از قبیل رنجش و اشتیاق و پیغام و تمنا و نگاه را وصف می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۹۸) و از آنجا که در زمان شاعر، سخن گفتن از معشوق زن مجاز نبوده است (گلچین معانی، ۱۳۷۴: ۱۱)، ثنایی نیز چون شاعران همعصرش به توصیف معشوق مرد می‌پردازد:

به شکلی باز آن رعنا پسر از در درون آمد
که دلها خون شد و از اهل مجلس بوی خون آمد
(ثنایی، غزل ۴۰: ۱)

وی حتی در برخی از اشعار خویش به شیوه سبک هندی، به مخالفت و توهین به معشوق می‌پردازد:

همان سگی تو ثنایی کز اعتماد وفا
نیست یار به فتراک پالهنگ ترا
(ثنایی، غزل ۱: ۵)

مدح

مدح اهل بیت (ع) و پیامبر (ص)

ثنایی شاعری شیعه است و مدح پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) از مهمترین موضوعات شعری اوست. «اشعاری که در

منقبت ائمه دین سروده چندان است که پاره‌ای از تذکره نویسان او را مداح ائمه شیعه خوانده‌اند» (رسولی، ۱۳۸۰: ۸۲۸).

قالب شعری مورد استفاده ثنایی در مدح دینی و منقبت‌سرایی «قصیده» است. وی فضایی همچون: شکوه و منزلت، حسن و زیبایی، عطا و کرم را برای اغلب ممدوحان دینی خود تکرار کرده‌است.

مهمترین ممدوحان ثنایی در میان بزرگان دینی و مذهبی عبارتند از: پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، امام علی بن موسی الرضا (ع)، امام جواد (ع)، امام حسن عسگری (ع) و حضرت مهدی (عج). در این میان مدح امام رضا (ع) در اشعار وی بسآمد بالاتری دارد.

علی موسی جعفر شه ستاره چشم که آسمان کند از نعل مرکبش دپهیم
(ثنایی، قصیده ۷۴: ۳)

مدح پادشاهان و امرا

در کنار مدح اهل بیت و پیامبر اکرم (ص)، ثنایی به مدح پادشاهان و امرا نیز روی آورده‌است. در این قسمت، مضامینی مانند: هیبت، رای، عدالت، بخشش، شکوه ممدوح به دفعات تکرار شده‌است. مهمترین ممدوحان ثنایی در میان پادشاهان و بزرگان زمان، ابراهیم میرزای صفوی، شاه طهماسب اول، جلال الدین اکبرشاه، ابوالفتح گیلانی، عبدالرحیم خان خانان بوده‌اند؛ در این بین، مدح ابراهیم میرزا صفوی از بسآمد بالایی برخوردار است.

تفاخر و خودبرتر بینی

تفاخر و خودبرتر بینی، یکی دیگر از مضامین مهم در شعر ثنایی است. مفاخرات وی اغلب در این موضوعات است: -تفاخر به شعر و سخن:

گر به قدر سخن دهند به کس از سمک تا سما از آن من است
(ثنایی، قصیده ۸: ۳۵)

-تفاخر به شاعران دیگر:

ثنایی نیز چون بسیاری از شاعران دیگر، شعر خود را در مقام و مرتبه شاعران بزرگ، حتی شاعرانی که در مقام استاد وی بوده‌اند، مثلاً در بیتی با تعریضی به خاقانی میسراید:

حقا که بدین صفا عروسی مشاطه شیروان ندیدست
(ثنایی، قصیده ۹: ۱۲)

وی حتی انوری که یکی از تأثیرگذاران شعری وی بوده‌است را در مقابل شعر خود تسلیم میدانند و میگوید:

شها به نظم تو این مدح را چنان گفتم که انوری کند اندر برابرم تسلیم
(ثنایی، قصیده ۷۱: ۴۳)

-تفاخر به دانش و علم:

بس که معنی دقیق کرد مرا نقطه کلک من جهان من است
خشک تن گر چه استخوان شده ام مغز معنی در استخوان من است
(ثنایی، قصیده ۸: ۴-۳)

-تفاخر به ممدوح:

ثنایی مفاخره‌ای در مدح ممدوح خود، اکبر شاه سروده‌است:

به نسبتی که تو را سایه خدا گفتند
سزد که سایه کند موی وش به سر تقدیم
(ثنائی، قصیده ۷۲: ۶)

- تفاجر به اصیل بودن مضامین:
چنان پاکند اصلی زادگان مادر طبعم
که ساقط نطفه‌ای از ننگ همچون آسمان دارد
(ثنائی، قصیده ۲۶: ۳)

توصیفات

در کلام ثنائی مشهدی انواع شعرهای وصفی همانند: وصف بهار، وصف بنا، وصف قصر، وصف جشن، وصف نوروز و... مشاهده میشود:

وصف بنای باز خانه ابراهیم میرزا:
به نو نهاده بنایی خدایگان جهان
که اوج سدره قدرتش ندیده باز گمان
(ثنائی، قصیده ۷۴: ۱)

وصف جشن شاهزاده اکبر شاه:
زهی سوری که از مه تا به ماهی
دهد بر طالع سعدش گواهی
(ثنائی، قصیده ۸۶: ۱)

وصف نوروز:

نوروز آمد و همه را وصل یار داد
ما را به یاد گریه بی اختیار داد
(ثنائی، قصیده ۱۹: ۱)

دوری از وطن

ثنائیی مشهدی شاعری است که از ایران به هندوستان مهاجرت کرده و قریب به دوازده سال از عمر خویش را در آن دیار به سر برده است؛ بنابراین همچون بسیاری از شاعران دور از وطن، اشعاری در این خصوص دارد:

در هندم و بر کف خیالم
سیبی است که اصفهان ندیدست
(ثنائی، قصیده ۹: ۲۰)

او در قصیده‌ای، در مدح امام رضا (ع)، برای عزیمت به شهر خراسان میگوید:

ای خضر زاد رهی تا به خراسان بروم
بنه آتش زخم و همچو خورآسا بروم
(ثنائی، قصیده ۷۰: ۱)

۴- نتیجه گیری

برآیند پژوهش حاکی از آنست خواجه حسین بن غیاث‌الدین ثنائی مشهدی، شاعر شیعی و از بنیانگذاران سبک هندی در قرن دهم است که بر اثر مهارت و نگرش دقیق و دیگر خصوصیات زبانی و فکری در میان شاعران هم‌نوع خود کم نظیر است. در سطح زبانی بسآمد بالای ترکیبات عامیانه، اصطلاحات شغلی، وابسته‌های عددی، انواع ترکیبات (تشبیهی، استعاری و اقتراعی) و ترکیبات وصفی از مهمترین مختصات زبانی دیوان ثنائی مشهدی محسوب میشود. در شعر ثنائی، به واژگان خاص و ترکیب نو و تازه بر میخوریم که این نوع ترکیب خاص خود شاعر است و کاربرد آن در اشعار، سبب تازگی و خلاقیت وی در شعر شده است.

موسیقی در شعر ثنائی، به صورت موسیقی بیرونی، موسیقی درونی و کناری کاربرد پیدا کرده است. در بررسی

موسیقی بیرونی در شعر شاعر بیشترین بسآمد اوزان متعلق به بحرهای رمل، مجتث، مضارع، هزج و کمترین بسآمد مربوط به محور متقارب، خفیف، منسرح و رجز میباشد. همچنین از اوزان دوری نیز بهره برده است. ثنایی از اختیارات شاعری بویژه اختیارات زبانی به وفور در شعر استفاده کرده است که بیانگر تسلط شاعر بر وزن و فنون عروضی میباشد. وضعیت موسیقی کناری در شعر ثنایی طوری است که تکرار قافیه و ردیف در اشعار وی به چشم میخورد و اکثر اشعارش مردف است. ردیفهای طولانی در شعر ثنایی بر غنای موسیقی شعری وی می‌افزاید و تکرار زیاد قافیه از نکات قابل توجه شعر وی به شمار می‌آید. از مصادیق موسیقی درونی نیز میتوان به انواع جناس، تکرار، تلمیح و... در شعر وی اشاره کرد.

استعاره در شعر ثنایی به صورت استعاره‌های مصرحه، مرشحه، مکنیه و... آمده است. در صنعت تشبیه نیز از تشبیه تمثیلی و اضافات تشبیهی بهره برده است. انواع کنایه در شعر وی به صورت کنایه به اعتبار مکنی عنه و کنایه به لحاظ وضوح و خفا مشاهده میشود. مجاز در شعر وی با علائق: ظرف و مظروف، حال و محل، کلیت و جزئیت، آلیت، مشابهت و علاقهٔ ماکان آمده است. اسلوب معادله در دو نوع تشبیه و تمثیل، به دلیل بسامد بالای آن از مختصات سبکی وی به شمار می‌آید. تشخیص در شعر ثنایی بیشتر به مانند سبک عراقی است و آن پیچیدگی سبک هندی را ندارد. اغراق در شعر وی بیشتر از راه تشبیه وهمی و استعاره مکنیه صورت میگیرد. وی در توصیف صفات و ویژگیهای ممدوح، از این صنعت بهره فراوانی برده است.

در بررسی سطح فکری و ذهنی ثنایی، مشاهده میشود که مدح ممدوح بسآمد بالایی را به خود اختصاص داده است. وی با آذین‌بندی شعر و سخن خویش به فضائل و مناقب پیامبر اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) به گونه‌ای اعتقاد و ارادت خویش را نسبت به آن بزرگان اعلام داشته است. مهمترین ممدوحان ثنایی در میان بزرگان دینی و مذهبی عبارتند از: پیامبر اکرم(ص)، امام علی(ع)، حضرت زهرا(س)، امام علی بن موسی الرضا(ع)، امام جواد(ع)، امام حسن عسگری(ع) و حضرت مهدی(عج). در این میان مدح امام رضا(ع) در اشعار وی بسآمد بالاتری دارد. مدح شاهان و امرا بخش دیگری از اشعار وی را شامل میشود که بیشترین آن، در مدح ابراهیم میرزاست. از دیگر درونمایه‌های مهم فکری ثنایی، اندیشه‌های صوفیانه و عرفانی، مضامین عاشقانه و توصیفات است که در سرتاسر دیوان اشعار به آنها اشاره میکند. موضوع دیگر در میان مضامین شاعر، تفاخر و خودستایی و تعریف وی از سخنوری خویش و ستایش آن است که گاهی در تفاخر به سخنوری راه افراط را در پیش میگیرد. ثنایی همچون بسیاری دیگر از شاعران دور از وطن، در باب غم غربت نیز اشعاری سروده است. تمامی موارد ذکر شده، تسلط ثنایی را به انواع ظرفیتها و عناصر ادبی و شاعرانه آشکار میسازد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان استخراج شده است. آقای دکتر عبدالعلی اویسی کهخا راهنمایی این رساله را عهده‌دار بودند. آقای دکتر محمدمیر مشهدی به عنوان مشاور و سرکار خانم میناسادات ملاشاهی دانشجوی دورهٔ دکتری پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب سپاسگزاری خود را از کارکنان گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان اعلام نمایند.

عدم تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

- Anvari, Hassan; Ahmadi Givi, Hassan. (2008). Persian Grammar, Fourth Print, Third Edition, Tehran: Fatemi.
- Ohadi Belyaei, Taqi al-Din Mohammad ibn Mohammad (2009). Arafat al-Asheqin va Arasat al-Arefin Biography, Edited by Mohsen Naji Safarabadi. Vol. 2. Tehran: Asatir.
- Badaoni, Abdol Qader. (2001). Selected Chronicles. With an introduction and additions by Tawfiq H. Sobhani. Vol. 3. Tehran: Anjomane Aasar va mafakhere farhangi.
- Chomsky, Noam. (2000). Mind and Language. Translated by Kourosh Safavi. Tehran: Hermes.
- Radfar, Abolghasem; Ghanbari Neniz, Khorshid (2013). "Introduction and descriptive introduction to the works of Khwaja Hossein Sana'i Mashhadi", Kohan-nameh Adabe Parsi, Institute of Humanities and Cultural Studies, Year 4, Issue 3, pp. 85-111.
- Razi, Amin Ahmad (2009). The Seven Climates Tazkira, Edited by Mohammad Reza Taheri, Vol. 2, Tehran: Radio and Television Publications.
- Rasuli, Mohammad (2001), Encyclopedia of Persian Literature in the Subcontinent (India, Pakistan, Bangladesh), Vol. 4, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Rezai, Ehtaeram (2015) Generalities of Sana'i Mashhadi's Poems. Qom: Majma' al-Zakhaer-e Islami.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2007). Music of Poetry, Tehran: Aghah.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2008). History of Iranian Literature from Beginning to Today, Tehran: Gostardeh.
- Shamisa, Sirous (2008). Stylistics of Poetry. Tehran: Ferdows.
- Fotouhi, Mahmoud (2012). Stylistics, Theories, Approaches and Methods, Tehran:

Sokhan.

Fakhrozzamani, Mola Abdolnabi (1983). *Pub Biography*, edited by Ahmad, Golchin Maani, Vol. 3, Tehran: Iqbal Publications.

Koopa, Fatemeh; Rezaei, Ehteram (2013), "Dehkhoda Dictionary and Two Mistakes About Khaje Hossein Sana'i Mashhadi", *Specialized Quarterly Journal of the stylistics of Persian Poem and Prose (Bahar-e- Adab)*, Year 6, Issue 1, Serial Number 19, pp. 330-319.

Golchin Maani, Ahmad (1994). *Caravan of India*, Vol. 1, Tehran: Astane Qods Publications.

Modaberi, Mahmoud; Ghanbari, Neniz, Khorshid (2012). "A Study of the Works of Sana'i Mashhadi Based on Stylistic Aspects", *Specialized Quarterly Journal of the stylistics of Persian Poem and Prose (Bahar-e- Adab)* , Year 5, Issue 4, Serial Number 18, pp. 326-314.

Mina, Fatemeh; Karami, Mohammad Hossein (2015). "A Study of Poetic Elements in the Poetry of Sana'i Mashhadi", *Specialized Quarterly Journal of the stylistics of Persian Poem and Prose (Bahar-e- Adab)*, Year 8, Issue 3, Serial Number 29, pp. 375-394.

Natel Khanlari, Parviz. (1998). *Historical Grammar of the Persian Language*. Vol. 2, Tehran: Tous .

فهرست منابع فارسی

انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی*، چاپ چهارم، ویرایش سوم، تهران: فاطمی. اوحدی بلیائی، تقی الدین محمد بن محمد (۱۳۸۸). *تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، تصحیح محسن ناجی سفرآبادی. ج ۲. تهران: اساطیر.

بدوانی، عبدالقادر. (۱۳۸۰). *منتخب التواریخ*. با مقدمه و اضافات توفیق ه. سبحانی. ج ۳. تهران: انجن آثار و مفاخر فرهنگی.

چامسکی، نوام. (۱۳۷۸). *ذهن و زبان*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس. رادفر، ابوالقاسم؛ قنبری نیز، خورشید (۱۳۹۲). «شناختنامه و معرفی توصیفی آثار خواجه حسین ثنائی مشهدی»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱۱۱-۸۵.

رازی، امین احمد (۱۳۸۹). *تذکره هفت اقلیم*، تصحیح محمدرضا طاهری، ج ۲، تهران: انتشارات صدا و سیما. رسولی، محمد (۱۳۸۰)، *دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)*، ج ۴، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رضایی، احترام (۱۳۹۴) *کلیات اشعار ثنائی مشهدی*. قم: مجمع ذخائر اسلامی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶). *موسیقی شعر*، تهران: آگه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۱) *تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز*، تهران: گسترده.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: فردوس.

فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها*، تهران: سخن.

فخرالزمانی، ملاعبدالنبی (۱۳۶۲). تذکره میخانه، تصحیح احمد گلچین معانی، ج ۳، تهران: انتشارات اقبال.
نویا، فاطمه؛ رضایی، احترام (۱۳۹۲)، «لغتنامه دهخدا و دو اشتباه در مورد خواجه حسین ثنائی مشهدی»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)، سال ششم، شماره اول، شماره پیاپی ۱۹، صص ۳۱۹-۳۳۰.

گلچین معانی، احمد (۱۳۷۴). کاروان هند، ج ۱، تهران: انتشارات آستان قدس.
مدبری، محمود؛ قنبری ننیز، خورشید (۱۳۹۱). «بررسی آثار ثنائی مشهدی با تکیه بر جنبه‌های سبک‌شناسی»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)، سال پنجم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۱۸، صص ۳۱۴-۳۲۶.

مینا، فاطمه؛ کرمی، محمدحسین (۱۳۹۴). «بررسی عناصر شاعرانه در شعر ثنائی مشهدی»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)، سال هشتم، شماره سوم، شماره پیاپی ۲۹، صص ۳۷۵-۳۹۴.
ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۷). دستور تاریخی زبان فارسی. ج ۲، تهران: توس.

معرفی نویسندگان

میناسادات ملاشاهی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: minamollashahi22@gmail.com)

(ORCID: 0009-0002-5996-806X)

عبدالعلی اویسی کهکها: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: oveisi@lihu.usb.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0001-9929-6443)

محمدامیر مشهدی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: mashhadi@lihu.usb.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-6591-3589)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Minasadat Mollashahi: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: minamollashahi22@gmail.com)

(ORCID: 0009-0002-5996-806X)

Abdolali Oveisi Kahkha: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: oveisi@lihu.usb.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0001-9929-6443)

Mohammad Amir Mashhadi: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: mashhadi@lihu.usb.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-6591-3589)